



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Unemployment insurance as a welfare policy (Focusig upon the labor law and the unemployment insurance scheme over Covid-19 period)

M. Shakouri, T. Shiri*, R.A. Mohseni

Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 02 April 2023

Revised 12 June 2023

Accepted 31 July 2023

Keywords:

Coronavirus

Discourse analysis

Labor Law

Unemployment insurance

Welfare policy

*Corresponding Author:

Email: t_shiri@iauctb.ac.ir

Phone: +9821 88992450

ORCID: 0000-0003-0810-8043

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Welfare policies are an essential aspect of government management in societies. This study aims to analyze the discourse of welfare policy in the Labor Law and the Unemployment Insurance Scheme during the Covid-19 pandemic.

METHODS: The research method used in this study is discourse analysis, based on the approach developed by Laclau and Mouffe. The texts of the Labor Law and the Unemployment Insurance Scheme during the Covid-19 pandemic were analyzed.

FINDINGS: Iran has implemented welfare policies and programs since the 1979 Revolution. However, the discourse surrounding welfare policy in the field of unemployment insurance has varied among different governments. The mechanisms of welfare policy in terms of unemployment relief and job creation have changed over time. The discourse governing the Labor Law emphasizes "full employment social policy," while the discourse surrounding the Unemployment Insurance Scheme during Covid-19 focuses on "applying a comprehensive support policy".

CONCLUSION: The discourse approaches to unemployment and related supports in Iran, as reflected in the Labor Law and the Unemployment Insurance Scheme, center around "deserved justice" for accessing short-term social security services. This means that only individuals covered by specific laws are entitled to insurance support, excluding those who do not meet certain criteria. This approach contradicts Article 29 of the Constitution, which emphasizes that social security is a universal right that should be provided for all members of society using public resources. This highlights the need for a more inclusive and comprehensive approach based on distributive justice.

DOI: 10.22056/ijir.2023.04.05

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مقاله علمی

«بیمه بیکاری» به مثابه سیاست رفاهی (با تأکید بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا)

مهدی شکوری، طهمورت شیری^{*}، رضاعلی محسنی

گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده:

پیشینه و اهداف: دولت‌ها همواره برای اداره جامعه، نظام حمایتی-رفاهی داشته‌اند که در راستای سیاست‌های رفاهی تعیین شده از سوی آن‌ها عملیاتی می‌شود. بخش عمده این حمایت‌ها که مشتمل بر «مساعدت اجتماعی»، «بیمه‌های اجتماعی» و «سیاست بازار کار» است، محصول سیاست‌های رفاهی است. هدف مقاله حاضر، تحلیل گفتمان سیاست رفاهی در «قانون کار» و «طرح بیمه بیکاری ایام کرونا» است.

روش‌شناسی: روش تحلیل گفتمان (به شیوه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه)، روش پژوهش انتخابی در این نوشتار است. به این منظور، متن «قانون کار» و «طرح بیمه بیکاری ایام کرونا» به عنوان جامعه هدف پژوهش، مبنای بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در طول چهار دهه پس از پیروزی انقلاب، همواره ایران دارای سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی بوده، اما جایگاه سیاست رفاهی در حوزه بیمه بیکاری در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب یکسان نبوده است و در ترسیم فضای گفتمانی هر دولت، با توجه به دال مرکزی آن، سازوکارهای سیاست رفاهی در حوزه رفیع بیکاری و اشتغال‌آفرینی متفاوت بوده و در ضمن مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا تاحدودی متمایز بوده است. بدین ترتیب که دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه رفیع بیکاری» در قانون کار را بر مبنای دال مرکزی «سیاست اجتماعی اشتغال کامل» می‌توان تعریف کرد، اما در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه بیکاری» بر مبنای دال مرکزی «اعمال سیاست حمایتی جامع» قابل تعریف است.

نتیجه‌گیری: در طول چهار دهه پس از پیروزی انقلاب، همواره ایران دارای سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی بوده، اما جایگاه سیاست رفاهی در حوزه بیمه بیکاری در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب یکسان نبوده است و در ترسیم فضای گفتمانی هر دولت، با توجه به دال مرکزی آن، سازوکارهای سیاست رفاهی در حوزه رفیع بیکاری و اشتغال‌آفرینی متفاوت بوده و در ضمن مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا تاحدودی متمایز بوده است. بدین ترتیب که دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه رفیع بیکاری» در قانون کار را بر مبنای دال مرکزی «سیاست اجتماعی اشتغال کامل» می‌توان تعریف کرد، اما در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه بیکاری» بر مبنای دال مرکزی «اعمال سیاست حمایتی جامع» قابل تعریف است.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۲ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۹ مرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

بیمه بیکاری

تحلیل گفتمان

سیاست رفاهی

کرونا

قانون کار

*نویسنده مسئول:

ایمیل: t_shiri@iauctb.ac.ir

تلفن: +۹۸۲۱ ۸۸۹۹۲۴۵۰

ORCID: 0000-0003-0810-8043

DOI: 10.22056/ijir.2023.04.05

توجه: مدت زمان بحث و انتقاد برای این مقاله تا ۱ ژوئیه ۲۰۲۳ در وبسایت IJIR در «نمایش مقاله» باز است.

اپیدمیک، شاهد آن بودیم که در تلقی‌ای که تاکنون از «بیکاران» در متن قوانین وجود داشت، تغییراتی صورت پذیرفت (Menati, 2019)؛ بدین ترتیب بر مبنای طرح بیمه بیکاری ایام کرونا مقرر شد بیمه بیکاری سه ماه اسفند ۱۳۹۸ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ به افراد بیکار شده و کارگران آسیب‌دیده از کرونا پرداخت شود (Ministry of Cooperatives, Labor and social welfare, 2020).

در طول چهار دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکم شدن گفتمان غالب و مادر «انقلاب اسلامی» در کشور می‌گذرد، مسئله حمایت از بیکاران در ایام بیکاری به دلیل داشتن دو جنبه مهم اقتصادی و اجتماعی همواره دل‌مشغولی دولت‌ها بوده است (Kaviani and Mirzaee, 2014) و در قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۶ و نیز دیگر قوانین و دستورالعمل‌هایی که در حوزه بیکاری به تصویب رسیده است _ از جمله طرح بیمه بیکاری ایام کرونا _ تلاش شده «عدالت اجتماعی» به منصفانه ظهور برسد، اما تلقی هر دولت، متناسب با فضای گفتمانی خود از مفهوم سیاست رفاهی متفاوت بوده، از این رو بر مبنای تلقی منحصر به فرد خود، رویه‌ها و دستورکارهای تحقق حمایت‌های رفاهی تأکید شده در قوانین بیمه بیکاری در هر برهه زمانی نیز به نسبت در هر دولت یا بهتر بگوییم در هر فضای گفتمانی همونیک، متفاوت بوده است. عمده‌ترین دلیل این امر ناشی از آن است که اساساً قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها بر الگوی ادراکی‌ای استوارند که گفتمان‌ها را ساخته و پرداخته می‌کنند. گفتمان‌ها ریشه در زبان و متن دارند و شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن هستند (Jorgensen and Phillips, 2002).

با توجه به اینکه مفاهیم «بیکار و بیکاری» و «سیاست رفاهی» در چه حوزه گفتمانی قرار گرفته باشند، معانی و هویت‌های متفاوتی پیدا می‌کنند. همین معنای متفاوت است که در نظام برنامه‌ریزی تبلور پیدا کرده و خود بر برقراری حمایت‌های اجتماعی اثرگذار خواهد بود. در همین راستا پژوهش حاضر در تلاش است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که متن قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا، مبتنی بر چه سیاست رفاهی‌ای در حوزه بیکاری و حمایت از بیکاران است؟ پژوهش حاضر به تحلیل گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا در حوزه بیکاری و حمایت‌های مربوطه از بیکاران پرداخته تا با شناسایی مدل‌های اصلی حاکم بر گفتمان سیاست رفاهی دو منبع حقوقی مذکور، نشانه‌های مربوطه را شناسایی و در آخر اقدام به مفصل‌بندی نشانه‌ها و مدل‌های گفتمان سیاست رفاهی مندرج در قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا کند که به شیوه‌های خاصی از بیان، عملکرد و فهم درباره حمایت اجتماعی اشاره دارند.

مبانی نظری پژوهش

به‌طور کلی، رویکردهای نظری در حوزه سیاست رفاهی را می‌توان در قالب چند گروه دسته‌بندی کرد که از آن جمله باید به رویکرد «نئولیبرالیسم»، «نئومارکسیسم»، «نهادی» و ... اشاره داشت. از میان

به‌طور کلی، سیاست‌گذاری اجتماعی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و روش‌های عقلایی است که به‌منظور فراهم‌سازی امکانات و فرصت‌های تازه در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای ارتقای بهزیستی جامعه به کار گرفته می‌شوند. در این میان، سیاست رفاه اجتماعی، اقدام و پاسخ جمعی به مشکلات اجتماعی تلقی می‌شود (O'Connor and Netting, 2010) که ماحصل آن چیزی جز «رفاه اجتماعی» نیست. تحلیل‌گران سیاست اجتماعی همواره تحقق رفاه اجتماعی را در قالب مثلث دولت، بازار و جامعه (نهاد خانواده و اجتماعات محلی و مدنی) مورد توجه قرار داده‌اند (Baldock et al., 2007). اما ضلع دولت، سنگینی بیشتری در شکل‌دهی و تحقق سیاست‌های رفاهی نسبت به دو ضلع دیگر دارد. افزون بر این، دولت‌ها نیز به دلایل گوناگونی، بر ورود به این حوزه، به‌رغم مشکلاتی که دارد، اهتمام ورزیده‌اند، تا جایی که طی دهه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین منابع کسب مشروعیت دولت‌ها و نیز برنامه‌های انتخاباتی برای کسب آراء و حمایت شهروندان برنامه‌های حمایتی رفاهی بوده است. بر این مبنای دولت‌ها همواره برای اداره جامعه، نظام حمایتی رفاهی داشته‌اند که در راستای سیاست‌های رفاهی تعیین شده از سوی آن‌ها عملیاتی شده (Ghafari and Azizi Mehr, 2012) که بخش عمده این حمایت‌ها که مشتمل بر «مساعدت اجتماعی»، «بیمه‌های اجتماعی» و «سیاست بازار کار» است (Safari Shali and Ebrahimi, 2021). معطوف به رفاه افراد جامعه _ حداقل در بعد مادی آن _ و محصول سیاست‌های رفاهی است.

در راستای اعمال سیاست‌های رفاهی، مسئله کار و به‌تبع آن حمایت‌هایی که در برابر از دست دادن شغل اعمال می‌شود به دلیل آثار سوئی که بیکاری می‌تواند از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... در جامعه بر جای بگذارد، همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است (Kaviani and Mirzaee, 2014) و در این خصوص، اساساً یکی از شاخه‌های اصلی جبران بیکاری، «بیمه بیکاری» (Ojaqlou and Ayazi, 2015) و یکی از تسهیلات سازمان تأمین اجتماعی و از جمله چترهای حمایتی بیمه تأمین اجتماعی است (Ebrahimi, 2011) که از جمله حمایت‌ها و تعهدات کوتاه‌مدت سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بیمه‌شدگان قلمداد می‌شود. هدف از برقراری این نظام حمایتی این است که با پرداخت مقرری، بخشی از زبان‌های وارد به افراد جبران شود (Jafari, 2006)؛ از آن رو که بیمه بیکاری، انواع خدمات مالی و بیمه‌ای را تا پیش از یافتن شغل جدید، در اختیار بیکاران قرار می‌دهد و به‌عنوان نوعی بیمه تأمین اجتماعی برای رفع مسائل و مشکلات ناشی از بیکاری برقرار شده است (Mojtabavi Naieni, 1993). کارکرد این بیمه، کاهش فشارهای مادی و معنوی یا روحی بر بیکاران تا زمان یافتن موقعیت شغلی بعدی از طریق ارائه مساعدت مالی کوتاه‌مدت است. با شیوع بیماری کرونا در ایران به‌مانند دیگر کشورهای دنیا، بر مبنای دگرگونی در شرایط زندگی بشر ناشی از شیوع بیماری‌ای

انگاره‌ای دارد و همچنین، بر نظام معانی تأکید دارد. از این رو در این مقاله، از میان نظریه‌های گفتمانی مختلف (از جمله فوکو، لاکلاو، موفه، فرکلاف و ...)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه که در سایه به‌کارگیری مفاهیمی چون «مفصل‌بندی» از قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار است، به‌عنوان مبانی نظری این نوشتار انتخاب می‌شود. در رویکرد لاکلاو و موفه، «گفتمان» جایگزین مفهوم «ایدئولوژی» می‌شود و به‌تبع این امر در این رویکرد نظری باور بر این است که گفتمان پیش از هر چیز وجود دارد و شناخت و کنش انسان را معنا می‌بخشد و انسان، فقط از طریق گفتمان قادر است جهان را درک و فهم کند و همه چیز ماهیتی گفتمانی دارد یا به تعبیری نوعی سازه گفتمانی است. بر این اساس، کنش‌ها فقط به‌منزله جزئی از یک نظام معنایی گسترده (گفتمان)، قابل درک و فهم‌اند و معنای اجتماعی گفتارها، کنش‌ها و نهادها، همگی در ارتباط با بستر و بافت کلی‌ای که بخشی از آن هستند، درک می‌شوند. بر این مبنا در خصوص موضوع این پژوهش، بی‌شک اتخاذ و کاربست رویکرد گفتمانی سیاست رفاهی در بین قوانین کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا به ما کمک می‌کند تا شرایط گفتمانی حاکم بر مفصل‌بندی گفتمان خاص درک شود. بر این مبنا، در رویکرد گفتمانی حاکم بر این پژوهش، دالّ شناور «سیاست رفاهی با هدف اشتغال‌آفرینی و رفع بیکاری» در ترسیم فضای گفتمانی حاکم بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا جای خواهد گرفت و پیرامون مضمون سیاست رفاهی در این قوانین، با توجه به مطالعه و تدقیق در متن قوانین مربوطه، می‌توان «مدلول‌های اصلی» (نشانه‌های مرکزی) و دیگر نشانه‌های زیرمجموعه آن‌ها را مشخص کرد.

مروری بر پیشینه پژوهش

بررسی منابع پژوهشی موجود در داخل و خارج از کشور حاکی از آن است که پژوهش‌های متعددی در خصوص موضوع بیمه بیکاری نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش (Feyzpour et al., 2022) با عنوان «تأثیر بیمه بیکاری در دوره بیکاری در شهر یزد» اشاره کرد که تصریح کرده، تأثیر بیمه بیکاری دوگانه است. از یک سو، اگر قانون بیمه بیکاری به‌خوبی طراحی و اجرا شود به افزایش سطح رفاه عمومی در جامعه کمک می‌کند، اما از سوی دیگر، اگر قانون بیمه بیکاری به‌خوبی طراحی و اجرا نشود، فقط دوره بیکاری را افزایش می‌دهد. نتایج تخمین رگرسیون کاکس تعمیم‌یافته نیز نشان داده است که بیمه بیکاری به‌صورت معنی‌داری به افزایش دوره بیکاری منجر می‌شود. همچنین، تأثیر سابقه اشتغال و سن بر دوره بیکاری منفی و تأثیر مجرد بودن و فرزند نداشتن بر دوره بیکاری مثبت است و جنسیت تأثیر معنی‌داری بر دوره بیکاری ندارد. با توجه به نتایج، دوره بیکاری بیشتر از آنکه تحت تأثیر بیمه بیکاری قرار داشته باشد، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار دارد و بزرگ‌ترین ضریب مربوط به وضعیت تأهل است. نتایج پژوهش مشترک (Sharif Sharifzadeh et al., 2019) با عنوان «آسیب‌شناسی بیمه بیکاری در استان گلستان» حاکی از

رویکردهای مذکور، رویکرد نهادی، چارچوب مفهومی مناسبی برای تبیین مقاله پیش رو است؛ چراکه تحلیلگران نهادی، تحول سیاست اجتماعی را حاصل اتحاد و همراهی عوامل سیاسی، نهادی و عاملیتی می‌دانند و این تلقی، هم‌راستا با تلقی تحلیل گفتمان در خصوص سیاست‌گذاری‌ها و اعمال آن از سوی دولت‌هاست، زیرا تحلیل گفتمان بر این امر تأکید و تصریح می‌کند که بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، بر سیاست‌گذاری‌ها اثرگذارند.

اساساً رویکرد نهادی در مطالعات سیاست اجتماعی، دارای دو شاخه تحلیلی است که عبارت‌اند از «تحلیل دولت‌محور» و «تحلیل مسیر وابسته» (Peters, 2007). رویکرد «دولت‌محور» بر مجموعه ویژه‌ای از سازوکارهای علی، تمرکز یا تأکید دارند و منظور از این سازوکارها، فرایندهایی است که دولت‌ها (خارجی و داخلی) با کمک آن‌ها پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، حمایتی و حتی روان‌شناسی اجتماعی را شکل داده، بارور می‌کنند یا از شکل‌گیری آن‌ها جلوگیری می‌کنند (Fitzpatrick, 2004).

این رویکرد مدعی است که دیوان‌سالاری دولتی و نخبگان سیاسی، کنشگران محوری در شکل‌گیری سیاست‌گذاری هستند و تأثیر معناداری بر توسعه و آغاز برنامه‌های رفاهی دارند. به‌واقع این رویکرد توضیح می‌دهد که سیاست‌های اجتماعی، صرفاً پیامدهای شهرنشینی سرمایه‌داری و صنعتی شدن و نیز واکنش مستقیم به تقاضاهای در حال ظهوری که طبقات اجتماعی بر دولت‌ها تحمیل کرده‌اند، نیست. نهادهای حکومتی، قواعد انتخاباتی، احزاب سیاسی و سیاست‌های عمومی، در ایجاد و تغییر سیاست‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند (Akhavan Kazemi, 2002).

رویکرد نهادی دولت‌محور، بر سازوکارهای علی تمرکز دارد و دیوان‌سالاری و ساختار سیاسی دولت را در شکل بخشیدن به سیاست‌گذاری، مهم می‌داند و بر استقلال مأموران دولتی در برابر طبقات مسلط و نیز بر نهادهای حکومتی و قواعد انتخاباتی تأکید دارد؛ در نتیجه این رویکرد، سیاست‌ها را به‌عنوان نتیجه ساختار و پویایی درونی دولت و دیوان‌سالاری در نظر می‌گیرد. اما تأکید رویکرد نهادی تحلیل مسیر وابسته به اقدامات قبلی دولت‌ها و نیز شکل‌گیری نهادهای سیاسی است. این رویکرد، بازخورد سیاست‌گذاری‌ها را به‌عنوان متغیری مهم بررسی می‌کند و بر این مهم تأکید دارد که چگونه انتخاب‌های قبلی، سیاست‌گذاری‌های بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که سیاست‌های فعلی بازتابی است از یک انتخاب که در شرایط خاص (نقطه عطف) تاریخی اتفاق افتاده است. بر اساس این رویکرد، سیاست‌های اجتماعی نباید به‌عنوان واکنشی از جانب قدرت سیاسی گروه‌های مختلف یا به‌عنوان نتیجه رشد اقتصادی دیده شود، بلکه باید به‌عنوان نتیجه ساختار و پویایی درونی دولت و دیوان‌سالاری شخصی آن دیده شود (Hasenfeld et al., 1987). در کنار نظریه نهادی، با توجه به رسالت مقاله حاضر که به گفتمان حاکم بر سیاست رفاهی می‌پردازد، باید خاطر نشان ساخت که در مجموع تجزیه و تحلیل جایگاه سیاست رفاهی در چارچوب آن رویکرد نظری امکان‌پذیر است که نقش تعیین‌کننده و مستقلی از ساختارهای

اتفاق مثبتی در جهت کاهش فقر و ایجاد عدالت در کشور محسوب شود. «چالش‌های برنامه رفاهی بیمه بیکاری در ایران»، عنوان مقاله مشترکی از [Tajmazenani and Sherinabadi \(2016\)](#) است که ۹ چالش پیش روی برنامه بیمه بیکاری در کشور را شناسایی کرده که عبارت‌اند از: فرایند اداری زمان‌بر، پوشش ندادن جامع همه واجدان شرایط، سوءاستفاده از بیمه بیکاری، تحمیل خواسته‌ها و سوءاستفاده کارفرمایان، نبود تعادل بین ورودی و خروجی صندوق بیمه بیکاری، ضعف اشتغال مجدد، عدم یکسانی در آمار، وابستگی رفاهی و پوشش ندادن همه نیازها.

در کنار پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور که ذکر آن رفت، برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص در خارج از کشور نیز شایان ذکرند که از آن جمله می‌توان به یافته‌های پژوهش [Berkowitz and Basu \(2021\)](#) با عنوان «بیمه بیکاری، نیازهای اجتماعی مرتبط با سلامت، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت روان در طول همه‌گیری کووید-۱۹» اشاره کرد که نشان می‌دهد بیش از ۳۰ میلیون شغل در طول بیماری همه‌گیر کرونا از بین رفته است. بیمه بیکاری با قانون «کمک، امداد و امنیت اقتصادی» به‌طور موقت گسترش یافت. حمایت بیمه بیکاری بدین ترتیب ممکن است اثرات کوتاه‌مدت سلامت را از طریق حداقل سه مسیر داشته باشد، زیرا درآمد می‌تواند نیازهای اجتماعی مرتبط با سلامت (مانند غذا و مسکن) را تأمین کند، هزینه‌های دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را پوشش دهد و کاهش استرس، در نتیجه بهبود سلامت روان را در پی داشته باشد. بر این اساس، یافته اصلی این مطالعه آن است که بررسی‌ها نشان می‌دهد که در میان کسانی که دچار اختلال در درآمد ناشی از همه‌گیری هستند، زندگی در خانه‌ای که از مزایای بیمه بیکاری برخوردار است با نیازهای اجتماعی کمتر مرتبط با سلامت، دسترسی بهتر به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت روانی بهتر همراه خواهد بود. مطالعه [Ebbinghaus et al. \(2022\)](#) در خصوص بازگشت دولت رفاه با شیوع کرونا و ویروس، مقایسه‌ای بین عملکرد دولت‌ها بعد از جنگ جهانی دوم و افزایش سهم هزینه در سیاست عمومی از تولید ناخالص داخلی انجام داده است که در اواخر دهه ۷۰ با جهانی شدن و افزایش فشارهای مالی بخشی از بخشندگی دولت‌های رفاه مدرن کاهش پیدا کرد. نویسندگان معتقدند به‌دنبال بحران کووید-۱۹ و تعطیلی اجباری مشاغل و مدارس و کاهش توانایی مردم در درآمدزایی مطالبات بیمه بیکاری، تقاضای کمک‌هزینه بیکاری و کمک‌هزینه قرنطینه، به‌ویژه برای کارگران بیشتر شده است. مطالعه [Ministry of cooperatives, Labor and social welfare \(2020\)](#) نیز نشان می‌دهد، بحران کووید-۱۹ نقش مهم دولت‌ها، به‌ویژه در سیاست‌گذاری عمومی را برجسته می‌کند. لزوم توجه به سیاست‌های حمایت اجتماعی، به‌ویژه برای گروه‌های در معرض آسیب که بهره کمتری از نظام بیمه‌ای و حضور در اقتصاد رسمی می‌برند، برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های اجتماعی ضروری است. یافته‌های مقاله مشترکی از [Andersen et al. \(2018\)](#) با عنوان «شرایط بازپرداخت مزایا در طرح‌های بیمه بیکاری» نیز

آن است که به‌ترتیب چهار عامل «محیط کسب‌وکار»، «نهادهای مسئول»، «کارفرمایان» و «متقاضیان» بیشترین اهمیت را در افزایش تمایل مقررری‌بگیران بیمه بیکاری دارند. با در نظر گرفتن این چهار معیار، مواردی مانند «نوسانات بازار توأم با رکود در بخش تولید و صنعت (نظیر ساختمان) و از دست رفتن فرصت‌های شغلی»، «عدم تعادل بازار کار (تورم نیروی کار در نتیجه پیشی گرفتن عرضه بر تقاضا برای نیروی کار)»، «عدم پرداخت حداقل دستمزد رسمی (شکاف میزان دستمزد واقعی و مقررری بیمه بیکاری)» و «بنیه اقتصادی محدود بنگاه‌های فعال در استان (ظرفیت اشتغال‌زایی پایین آن‌ها)» به‌عنوان مهم‌ترین علل افزایش مقررری‌بگیران بیمه بیکاری شناسایی شده‌اند. نتایج مقاله [Davoudi et al. \(2019\)](#) با عنوان «تحلیل تابع بقاء افراد تحت پوشش بیمه بیکاری در ایران (۹۷-۱۳۹۲)» نشان می‌دهد که میزان مقررری بیمه بیکاری به‌طور معنی‌داری باعث افزایش مدت ماندگاری افراد در بیمه بیکاری است؛ به‌طوری‌که میزان خروج افراد در سطح اول به پنجم میزان مقررری برابر ۹/۹ است. نسبت ریسک خروج افراد در سطح اول به پنجم مدت‌زمان تعیین‌شده مقررری برابر ۵/۶ برآورد شده است. همچنین متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و مدت‌زمان استفاده قبلی از بیمه بیکاری بر میزان ماندگاری افراد معنی‌دار بوده است. همچنین مردان، متأهلان و افرادی که از بیمه بیکاری قبلی کمتر استفاده کرده‌اند، احتمال بقای بیشتری دارند. متغیرهای تحصیلات و آموزش فنی و حرفه‌ای در ایجاد اشتغال مجدد معنی‌دار نبوده است. یافته‌های مقاله مشترکی از [Modaresi Alam and Davoudi \(2016\)](#) با عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه بیکاری در ایران و کشورهای منتخب» مبین آن است که در غالب کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌های مقررری بیکاری عمدتاً جنبه اجباری و همگانی دارد. تأمین مالی صندوق بیمه بیکاری غالباً به‌صورت مساوی بین کارگر و کارفرما تقسیم می‌شود و در بسیاری از موارد دولت‌ها برای افزایش مقررری بیکاری یارانه می‌پردازند. به‌طور معمول، مقررری درصدی از متوسط دستمزد در دوره اشتغال قبل از بیکاری است و برای محاسبه آن به‌جای احتساب درصد ثابتی از دستمزد، بیشتر از سیستم طبقات مختلف دستمزدی استفاده می‌شود. همچنین معمولاً سیستم‌های بیمه بیکاری یا توسط سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی و یا توسط نهادهایی که مدیران آن‌ها نماینده فرد بیمه‌شده، کارفرمایان و دولت است، اداره می‌شوند. در ایران اولین قانون بیمه بیکاری از سال ۱۳۶۹ تدوین و اجرا شده است. صندوق بیمه بیکاری در ایران حدود ۷/۵ درصد از بیکاران را تحت پوشش قرار می‌دهد و مشکلات پیشی گرفتن مصارف از منابع در صندوق بیمه بیکاری وجود دارد. تأمین مالی صندوق بیمه بیکاری در ایران بر عهده کارفرماست. به‌رغم چالش‌های عملکردی صندوق بیمه بیکاری، اولین و آخرین قانون اجرائی آن مربوط به سال ۱۳۶۹ است؛ بنابراین، اصلاح قانون بیمه بیکاری با هدف پوشش فراگیر و با حفظ انگیزه کار با توجه به چرخه‌های کسب‌وکار و نیز آموزش به افراد بیکار متناسب با نیازهای بازار برای توانمندسازی نیروی کار برای احراز مشاغل، می‌تواند

هویت‌ها و سوژه‌ها و مفاهیم و معانی سیاسی و اجتماعی است، به انجام رسیده است (Sadeghi Fasai and Rouoz Khosh, 2013). در خصوص اعتبار و پایایی این روش نیز می‌باید خاطر نشان ساخت که اساساً اعتبار و پایایی در روش تحلیل گفتمان، منحصر به فرد است؛ بدین ترتیب که اعتبار در این روش پژوهشی که فعالیتی است برای تصدیق یافته‌هایی که از سوی پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان و یا از متن مورد بررسی توصیف می‌شود (Cresswell, 2015)، بر کیفیت بیان مفاهیم و مقوله‌ها و نیز استدلال تکیه دارد و برای سنجش اعتبار از دو شاخص نظم و انسجام دقیق و ارزیابی مفید بودن آن در تحلیل استفاده می‌شود (Motamed Nejhad and Mehizadeh Taleshi, 2007). بنابراین، انسجام نظری و عملی، به معنای انجام دقیق روش طبق فرایندی که تعیین شده است و نیز پذیرش عرفی از نتایج به دست آمده، می‌توانند ملاک مناسبی برای پذیرش تحلیل و اعتبار آن به شمار آیند (Bashir and Hatami, 2013). یکی از معیارهایی که استفان لاریسن برای سنجش اعتبار تحلیل کیفی قائل است، معیار گفتمان است که معنایش این است که نتایج یک مطالعه را باید اجتماع علمی مورد مذاقه قرار دهد تا دریابیم آیا استدلال‌های به کاررفته با دیگر استدلال‌ها و تفاسیر هم‌ساز است؟ معیار دیگر، ارزش بحث است که معنایش این است چگونه خواننده را نسبت به داستان و ظرفیت متن متقاعد کنیم (Safari Shali, 2013). درباره پایایی تحقیق نیز گفتنی است که به جای تأکید بر پایایی که در تحقیقات کمی رایج است، مفهوم «قابلیت اعتماد» کاربرد دارد؛ بر این مبنا در این نوشتار، قابلیت اعتماد بر اساس رفت‌وبرگشت‌های مداومی که با هدف «بازیابی مسیر کسب اطلاعات» انجام گرفته است، به دست آمد.

جامعه هدف و تعیین نمونه معرف و شیوه انتخاب نمونه تحقیق در نوشتار حاضر، داده‌های متنی قانون کار مصوب ۱۳۶۹ و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا مصوب ۱۳۹۸، به عنوان جامعه هدف پژوهش، مبنای بررسی و تحلیل قرار گرفته است. انتخاب این دو سند قانونی معطوف بر این دلایل بوده است که قانون کار کشورمان، دومین قانون فراگیر بعد از قانون اساسی است که در سال ۱۳۶۹ تصویب شده است و تا به امروز، مرجع حمایت از نیروی کار و اشتغال کشور قلمداد می‌شود که در بطن خود حمایت‌هایی از کارگران در زمینه «بیکاری» به عمل آورده است که این حمایت‌ها، از یک سو اشاره‌ای به حمایت‌های صورت گرفته از افراد شاغل در راستای تأمین امنیت شغلی و جلوگیری از بیکاری داشته و از سوی دیگر به حمایت‌هایی که در زمینه ایجاد اشتغال برای افراد بیکار شده، اشاره می‌کند. طرح بیمه بیکاری ایام کرونا مصوب ۱۳۹۸ نیز بر حمایت‌های مذکور صحنه گذارده، با این تفاوت که تلقی از بیکاری، بیکاران و مشمولین بیمه بیکاری در این دو سند قانونی تا حدودی متفاوت با یکدیگرند که این تفاوت‌ها، طرح بیمه بیکاری ایام کرونا را از دیگر قوانین حمایتی از بیکاران که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۸ تصویب و لازم‌الاجرا شده‌اند (از قبیل قانون بیمه بیکاری، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و ...) متمایز کرده است.

نشان می‌دهد که داشتن سابقه استخدامی، بخشی از «شرایط استخدامی» واجد شرایط بودن برای بیمه بیکاری در اکثر کشورهای غربی است؛ همچنین شایان ذکر است، در یک مدل تطبیقی، این مقاله در تلاش است که نشان دهد چگونه الزامات اشتغال، اثر مجدد را تقویت می‌کند و در نتیجه، تعادل بین بیمه و مشوق‌ها را در طراحی طرح بیمه بهینه تغییر می‌دهد. استقرار الزامات استخدامی برای واجد شرایط بودن مزایا ممکن است هم برای سطوح مزایای بالاتر و هم برای مدت طولانی‌تر امکان‌پذیر باشد و در عین حال عملکرد بازار کار بهبود می‌یابد. هنگامی که نیاز به بیمه به دلیل افزایش ریسک بالاتر افزایش می‌یابد، شرایط اشتغال کمتر ملایم می‌شود و هنگامی که محیط خطرناک‌تر می‌شود، متفاوت و متضاد می‌شود.

با وجود پژوهش‌های متعددی که در داخل و خارج از کشور صورت گرفته، بررسی‌ها حاکی از آن است که عمده پژوهش‌های انجام شده، به ماهیت بیمه بیکاری (اجباری یا همگانی بودن آن)، اثرات و آسیب‌شناسی پدیده بیکاری پرداخته و یا با تمرکز بر مقوله بیمه‌های اجتماعی، مزایای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن‌ها را تبیین کرده‌اند و کیفیت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بیمه بیکاری در کشور را بررسی کرده‌اند و در این میان، تدقیقی بر مزایای کوتاه‌مدت بیمه‌های اجتماعی در قالب پرداختی مستمری بیمه بیکاری به بیکاران داشته و ابعاد و دامنه اثرگذاری این دریافتی بر زندگی و رفاه بیکاران - چه زن و چه مرد - در شرایط بیکاری را مطرح نظر قرار داده‌اند. بر این مبنا، فقدان پژوهش‌های کافی درباره پدیده بیمه بیکاری به مثابه سیاستی رفاهی بر بهره‌مندی از مزایای چنین حمایت بیمه‌ای را شاهدیم. همچنین، تدقیق و تأمل در پژوهش‌هایی که در داخل کشور در حوزه بیمه بیکاری انجام شده است بیانگر آن بود که عمده این پژوهش‌ها، با رویکردی تحلیلی-توصیفی مبتنی بر روش پژوهش کمی، به موضوع می‌پردازد و کمتر پژوهشی یافت می‌شود که با رویکرد کیفی، این مهم را مطرح نظر قرار داده باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر که با رویکردی کیفی (مبتنی بر تحلیل گفتمان) به مطالعه در این خصوص پرداخته و «بیمه بیکاری» را به مثابه سیاست رفاهی مطرح نظر قرار می‌دهد، نسبت به دیگر پژوهش‌های موجود در این حوزه متمایز است و ابعاد یادشده از جنبه‌های نوآوری تحقیق حاضر نسبت به دیگر مطالعات تجربی است.

روش‌شناسی پژوهش

نوع و روش پژوهش

مقاله حاضر، در چارچوب مطالعات روش کیفی، متن‌محور و مبتنی بر روش استقراء است؛ بدین ترتیب که از منظر هدف، مطالعه‌ای بنیادی-کاربردی، از منظر روش گردآوری داده‌ها، پژوهشی اسنادی (با مراجعه به متون مکتوب و موجود قانون کار مصوب ۱۳۶۹ و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا مصوب ۱۳۹۸)، از منظر ماهیت داده‌ها، پژوهشی کیفی و از منظر زمان گردآوری داده‌ها، پژوهشی مبتنی بر زمان گذشته و حال است که با کاربرد روش «تحلیل گفتمان» به شیوه «ارنستو لاکلاو» و «شنتال موفه» که مبتنی بر چگونگی شکل‌گیری

مجدد رشد و رونق اقتصادی، پیامدهای وخیم اجتماعی از جمله بیکاری و فقر فزاینده را در پی داشته است، به طوری که آمارهای مربوط به نرخ بیکاری در کشور در برهه زمانی دولت سازندگی، حکایت از افزایش نرخ بیکاری ۱۴/۲ داشت.

ب) ترسیم فضای گفتمانی حاکم طرح بیمه بیکاری ایام کرونا: طرح بیمه بیکاری ایام کرونا، از دیگر قوانین مرتبط با حوزه بیمه بیکاری است که در سال ۱۳۹۸ و در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، تدوین و اجرایی شد. به طور کلی دوره ریاست جمهوری روحانی، دربرگیرنده بازه زمانی (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰) و تسلط گفتمانی «گفتمان اعتدال» بر فضای سیاسی-اجتماعی جامعه ایران بودیم؛ روحانی و دولت وی توانست نظام معنایی حاکم بر گفتمان «گفتمان اعتدال» را عمومیت بخشد و آن را همونیک کند (Dehghani Firouzabadi and Ataie, 2013).

با تمرکز بر سیاست گذاری‌ها و عملکرد دولت در حوزه تأمین اجتماعی و خدمات مربوطه، بررسی آمارهای موجود، در خصوص وضعیت بیکاری در دوره تسلط گفتمان اعتدال در کشور حاکی از آن است که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نرخ بیکاری در کشور، روند صعودی داشته و از ۱۰/۴ در سال ۱۳۹۲ به ۱۲/۴ در سال ۱۳۹۵ رسیده، اما در دوره دوم تسلط دولت و گفتمان اعتدال بر عرصه سیاسی-اجتماعی جامعه ایران (دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی)، تاحدودی روند کاهشی داشته و از ۱۲/۱ در سال ۱۳۹۶ به ۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است (Statistical Center of Iran, 2022).

البته از اواخر سال ۱۳۹۸ تاکنون، اپیدمی کرونا در کشور باعث ایجاد تغییر و تحولاتی در عرصه «اشتغال» و به تبع آن بروز «بیکاری» شد (Islamic Consultative Assembly Research Center, 2019).

در این میان، صاحبان مشاغل و کسب‌وکارهای خرد، خدماتی، روزمزدی و فصلی و نیز کسب‌وکارهای وابسته به رونق زندگی اجتماعی مانند غذافروشی‌ها، فعالیت‌های ورزشی، آرایشگاه‌ها و کافی‌شاپ‌ها، بیشترین آسیب را تجربه کردند و در دوگانه سلامت و معیشت گرفتار شدند. به طوری که این مشاغل در گام نخست با کساد و طیف عمده‌ای از آن‌ها با تداوم شرایط کرونایی در جامعه، با تعطیلی و به تبع آن بیکاری کارکنان مواجه شده‌اند (Imani Jajarami, 2020)؛ حدود پنج میلیون نفر از مشاغل آسیب‌پذیر به دلیل شیوع کرونا، مشاغل خود را کاملاً از دست داده‌اند و یا درآمد آن‌ها نزدیک به صفر شده است. فرض تقریبی ۳ نفر برای هر خانوار نشان از آن دارد که به طور مستقیم شیوع این بیماری بر ۱۵ میلیون نفر تأثیر مستقیم داشته است که عمدتاً مشتمل بر فعالان حوزه حمل‌ونقل، اقامت، پوشاک و ... بوده است (Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, 2020).

اساساً بر این مبنا بود که در اسفند ماه ۱۳۹۸ شاهد آن بودیم که «دستورالعمل بیمه بیکاری دوره شیوع بیماری کرونا» تصویب و در دستور کار دولت اعتدال (دولت روحانی) قرار گرفت. بر این مبنا، در دوره شیوع کرونا، به‌ویژه در سه‌ماهه اول آن تعداد قابل توجهی از کارگران بیکار شده، متقاضی مقرری بیمه بیکاری شدند.

متناظر با جامعه هدف یادشده، حجم نمونه گروه هدف، دربرگیرنده متون طرح مذکور است. در خصوص روش نمونه‌گیری این تحقیق نیز باید خاطر نشان کرد که از نوع نمونه‌گیری «نظری» است. از آنجاکه در روش تحلیل گفتمان هیچ شیوه معین و مشخصی برای گردآوری داده‌ها وجود ندارد و در این روش به هیچ عنوان گردآوری داده‌ها محدود نیست و تلاش می‌شود به منظور تحلیل گفتمان متون، هم به متن و هم به فرامتن (وضعیت اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و ... حاکم بر زمان تدوین و یا تصویب آن متن) توجه شود و براساس معیارهای گفتمانی حاکم در هر برهه زمانی، استخراج اطلاعات از متون مورد نظر صورت پذیرد و ملاک پایان یافتن نمونه‌گیری در مقاله حاضر «اشباع نظری» مقولات است.

نتایج و بحث

ترسیم فضای گفتمانی حاکم بر قوانین

الف) ترسیم فضای گفتمانی حاکم بر قانون کار: قانون کار، در دوران تسلط گفتمانی «گفتمان سازندگی» بر عرصه سیاسی-اجتماعی جامعه ایران که گفتمان همونیک پنجمین و ششمین دولت در جمهوری اسلامی ایران (بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) به ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بود، تصویب و لازم‌الاجرا شد. نگاهی تاریخی به این برهه زمانی گویای آن است که گفتمان سازندگی هم‌زمان با پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و شروع دوران سازندگی و بالطبع تسلط گفتمانی «گفتمان سازندگی» مطرح شد (Bashiriyeh, 2004).

این گفتمان، رفاه و توسعه اقتصادی را هدف اصلی اقتصاد می‌دانست و به شدت از توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی طرفداری می‌کرد و آن را پیش‌شرط سایر امور نوسازی قلمداد می‌نمود و بر این باور بود که در سایه توسعه اقتصادی امکان استقلال و عدالت وجود دارد (Morteji, 2016).

در واقع مهم‌ترین وجه فعالیت‌های دوره سازندگی را مباحث اقتصادی تشکیل می‌داد که سبب غیریت‌سازی این گفتمان نسبت به گفتمان‌های رقیب شد. در گفتمان سازندگی مفصل‌بندی گفتمان انقلاب که با محور سیاست آرمان‌گرایانه شکل گرفته بود، تغییر کرد و حول دال مرکزی توسعه اقتصادی برجسته‌سازی شد و به تبع آن گفتمان سازندگی چون دال معنابخش در آن توسعه اقتصادی بود، نظم معنایی آن برای معنا دادن به سایر دال‌ها بر مقوله اقتصادی تأکید داشت. بر این مبنا، هاشمی رفسنجانی در دوران تصدی‌اش بر ریاست دولت سازندگی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ مسئله نوسازی و تعدیل اقتصادی را در رأس برنامه‌های خود قرار داد (Akhavan Kazemi, 2002).

در طول دوره زعامت این دولت بر فضای سیاسی-اجتماعی ایران، سیاست تعدیل به‌عنوان محور برنامه‌های دولت سازندگی مطرح بود (Menati, 2019). تجربه سیاست تعدیل در بسیاری از کشورها از جمله ایران نشان‌دهنده آن بوده است که اجرای این برنامه‌ها در مراحل اولیه و یا لاقال در کوتاه‌مدت و تا زمان اعاده

جدول ۱: نشانگان سیاست رفاهی حاکم بر بیکاری در قانون کار

Table 1. Symptoms of the welfare policy governing unemployment in the labor law

نشانه‌های اصلی Main symptoms	نشانه‌های فرعی Secondary signs	ماده legal article
قاتل شدن منشأ غیرارادی و قهری برای بیکاری	بیکاری ناشی از تعطیلی کارگاه بر اثر قوه قهریه (زلزله، سیل و امثال این‌ها) و یا حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر (جنگ و نظایر آن)	30
قاتل شدن دو تعریف از بیکاران	کارگران بیکار شده و بیکاران فاقد سابقه کار	107
حمایت اجتماعی از بیکاران	پرداخت حقوق مقرری بیمه بیکاری به بیکاران دولت مکلف است با توجه به اصل 29 قانون اساسی و با استفاده از درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم و نیز از طریق ایجاد صندوق بیمه بیکاری نسبت به تأمین معاش کارگران بیکار شده کارگاه‌های موضوع ماده 4 این قانون اقدام نماید.	23 30 (تبصره)
	تأسیس مراکز کارآموزی و بالا بردن دانش فنی کارگران	108
بازبینی در نظام و قوانین کار و رفع بیکاری	ایجاد مراکز خدمات اشتغال در سراسر کشور به منظور شناسایی زمینه‌های ایجاد کار و برنامه‌ریزی برای فرصت‌های اشتغال، ثبت‌نام و معرفی بیکاران به مراکز کارآموزی و یا معرفی به مراکز تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی	119
آموزش نیروی انسانی	همهانگ کردن مهارت کارگران بیکار شده با نیازهای بازار کار	108
	آموزش و مهارت آموزی در راستای ایجاد شغل برای افراد بیکار	108
	ایجاد اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار	107

مفصل‌بندی گفتمان سیاست رفاهی

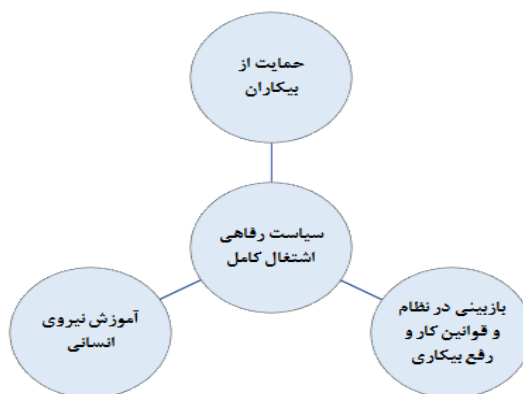
الف) مفصل‌بندی گفتمان سیاسی رفاهی حاکم بر قانون کار: قانون کار در بطن خود حمایت‌هایی از کارگران در زمینه «بیکاری» ترتیب داده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها در **جدول ۱** اشاره شده است:

بررسی‌ها و تحلیل گفتمان مفاد مذکور در **جدول ۱** که از متن قانون کار برگرفته شده است، نشان می‌دهد که در قانون کار، حمایت از بیکاران، به‌عنوان یکی از نشانه‌های اصلی و یکی از مفصل‌های گفتمان سیاست رفاهی مطرح بوده است. این نشانه اصلی با نشانه‌های فرعی‌ای چون «پرداخت حقوق و مقرری در دوران بیکاری»، «ایجاد صندوق بیمه بیکاری»، «تأمین معاش کارگران بیکار شده» معنایابی شد.

اساساً برای اجرای سیاست رفاهی اشتغال توسط دولت‌ها، باید مجموعه‌ای از سازوکارهای تنظیم‌کننده به‌طور هماهنگ به مرحله اجرا گذاشته شوند که مهم‌ترین این سازوکارها، آموزش نظری و حرفه‌ای است. آموزش نیروی انسانی، به‌عنوان یکی دیگر از نشانه‌های اصلی و مفصلی از مفصل‌های گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر قانون کار است که با نشانه‌هایی نظیر «همهانگ کردن مهارت کارگران بیکار شده با نیازهای بازار کار»، «تأسیس مراکز کارآموزی و بالا بردن دانش فنی کارگران» و «آموزش و مهارت‌آموزی در راستای ایجاد شغل برای افراد بیکار» معنایابی می‌شود. بازبینی در نظام و قوانین کار و رفع بیکاری، دیگر نشانه اصلی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر قانون کار است که با نشانه‌های فرعی ذیل خود، از جمله «ایجاد مراکز خدمات اشتغال در سراسر کشور»، «شناسایی زمینه‌های ایجاد کار و برنامه‌ریزی برای فرصت‌های اشتغال»، «ثبت‌نام و معرفی

بیکاران به مراکز کارآموزی (در صورت نیاز به آموزش) و یا معرفی به مراکز تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی» و «ایجاد اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار»، مفصل‌بندی این گفتمان را شکل می‌دهند. بازبینی در نظام و قوانین کار و رفع بیکاری، از جمله ارزش کار، به‌گونه‌ای مؤثر زمینه‌ساز اشتغال مثبت می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل گفتمان متن مورد بحث، در آخر ما را به این رهیافت کلی رهنمون می‌شود که دالّ شناور «سیاست رفاهی در حوزه بیکاری» که بر مبنای دالّ مرکزی «سیاست رفاهی اشتغال کامل» قابل تعریف است، ذیل گفتمان حاکم بر این متن، که گفتمان سازندگی دولت هاشمی رفسنجانی بوده است، در قالب نشانه‌هایی اصلی یا مدلول‌هایی چون «حمایت از بیکاران»، «آموزش نیروی انسانی» و «بازبینی در نظام و قوانین کار و رفع بیکاری»، مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه‌های مذکور، نظام معنایی گفتمان سیاست رفاهی در حوزه بیکاری در قانون کار را شکل داده که مبین رویکرد این متن قانونی به مقوله «بیکاری» و «حمایت از بیکاران» در کشور است.

ب) مفصل‌بندی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر طرح بیمه بیکاری ایام کرونا: سازمان تأمین اجتماعی از ابتدای شیوع کرونا و براساس قوانین و مقررات مربوطه و طبق مصوبات مراجع ذی‌صلاح اقدامات وسیعی در حوزه حمایت از کارگران و بیکاران ناشی از کرونا صورت داد. نکته حائز اهمیت و شایان ذکر در خصوص این طرح حمایتی که آن را در نوع خود منحصر به فرد و شاخص کرده است، آن است که در کنار سازمان تأمین اجتماعی، نهادهای دیگری چون سازمان برنامه‌بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت راه و شهرسازی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان



شکل ۱: مفصل‌بندی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر مقوله بیکاری در قانون کار

Fig. 1: Elaboration of the welfare policy discourse governing the category of unemployment in the labor law

مقرری به مضمولان»، «ارائه خدمات درمانی به مضمولان» و نیز اعمال سایر تعهدات قانونی که در قانون تأمین اجتماعی تصریح شده است، معنایابی می‌شود. از سوی دیگر، در دولت و گفتمان اعتدال متناسب با شرایط حاکم بر کشور در دوران کرونا، نگرش به مقوله بیکاری از موضوعی درون‌سازمانی _ که بر مبنای آن سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان متولی بیکاری و یا حتی متولی صندوق بیمه بیکاری و به‌عنوان کارگزار وصول و پرداخت صندوق مزبور لحاظ می‌شود _ به مقوله‌ای کلان و فراسازمانی تغییر پیدا کرد که بر مبنای آن حمایت از بیکاران، اعمال سازوکارهای پرداخت مقرری و از همه مهم‌تر تأمین مالی صندوق بیمه بیکاری، نه‌تنها وظیفه سازمان تأمین اجتماعی، بلکه بر عهده دیگر سازمان‌ها و نهادها نیز تعریف شد. بر این مبنای می‌توان گفت، نگرش به بیکاری به‌عنوان مقوله‌ای کلان و فراسازمانی، با نشانه‌های فرعی ذیل خود شامل: «همکاری سازمان تأمین اجتماعی با نهادهای دیگری چون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه‌و بودجه کشور، خزانه‌داری کل کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و ...»، «ابلاغ شیوه‌نامه اجرایی دستورالعمل به واحدهای اجرایی سراسر کشور» و «تعامل سازمان تأمین اجتماعی و خزانه‌داری کل کشور»، مفصل‌بندی شده است.

طرح‌ریزی چارچوبی برای پرداخت حقوق بیکاران، دیگر نشانه اصلی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر متن دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا است که با نشانه‌های فرعی ذیل خود شامل: «ارائه ماهانه مشخصات مضمولان این دستورالعمل به سازمان برنامه‌و بودجه توسط سازمان تأمین اجتماعی»، «شناسایی مضمولان و پرداخت مقرری، مستلزم رسیدگی در کمیته بیمه بیکاری و اعمال نظارت‌ها و شرایط پیش‌بینی‌شده در قانون کار، قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری است»، «پرداخت مقرری بیمه بیکاری با پیشنهاد مشترک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و تأیید سازمان برنامه‌و بودجه کشور»، «واریز مبالغ متعلقه به افراد واجد شرایط مطابق فهرست اعلامی سازمان برنامه‌و بودجه کشور از سوی خزانه‌داری کل کشور»

میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، وزارت صنعت معدن و تجارت، بانک مرکزی و ... نیز مسئول و متولی امر تعریف شدند (Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, 2020). ماحصل اجرایی شدن این طرح آن بود که بیمه‌شدگانی که از اسفند ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ در اثر شیوع کرونا کار خود را از دست دادند، به تعداد یک میلیون و ۲۶۸ هزار و ۱۰۹ نفر، مبلغ ۱،۷۲۰ میلیارد تومان در اجرای مصوبه مربوطه مقرری _ بابت ایام بیکاری کرونا _ دریافت کردند. با تأمل در متن طرح بیمه ایام کرونا، می‌توان نشانه‌های اصلی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر این دستورالعمل را استنباط کرد که به نمونه‌هایی از آن‌ها در قالب جدول ۲ اشاره شده است.

بررسی و تحلیل گفتمان دستورالعمل بیمه بیکاری ایام کرونا حاکی از آن است که این طرح، سیاستی رفاهی بود که نخستین بار در طول چهار دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گذرد از سوی دولت مستقر اعمال شد. بر این مبنای، در متن این طرح، «اعمال سیاستی حمایتی»، به‌عنوان یکی از نشانه‌های اصلی و یکی از مفصل‌های گفتمان سیاست رفاهی مطرح شد. این نشانه در کنار نشانه‌های اصلی دیگر گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا را سامان داده‌اند که هر یک از نشانه‌های اصلی، با توجه به ساختار معنایی حاکم بر گفتمان، نشانه‌های فرعی یا به‌عبارتی مدلول‌هایی سازگار و معانی‌ای مناسب با آن را انتخاب و بقیه را طرد کرده تا بدین‌واسطه تثبیت معنای سیاست رفاهی در حوزه بیکاری از منظر گفتمان حاکم بر متون این قوانین صورت پذیرد. بر این اساس، در قالب اجرای این طرح حمایتی، شاهد نگاه به مقوله بیکاری از منظر نظام رفاه و تأمین اجتماعی بودیم که معطوف به اعطای یارانه و کمک‌معیشت یا کمک‌هزینه به بیکاران و نیز معطوف به اعطای کمک به افراد فاقد شغل و توان درآمدی براساس استحقاق‌سنجی بود. بر این مبنای می‌توان گفت، بهبود وضعیت رفاهی بیکاران، یکی از نشانه‌های اصلی و یکی از مفصل‌های گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر متن این طرح بود که با نشانه‌هایی مانند «پرداخت

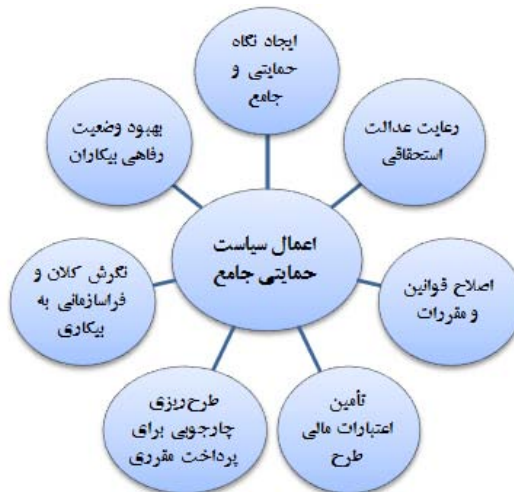
جدول ۲: نشانگان گفتمانی سیاست رفاهی حاکم بر بیکاری در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا

Table 2: Discourse symptoms of the welfare policy governing unemployment in the unemployment insurance plan during the Corona period

نشانه‌های اصلی Main symptoms	نشانه‌های فرعی Secondary signs	ردیف Row
اعمال سیاست حمایتی	تصویب و اجرای طرح حمایت از بیکاران	1
بهبود وضعیت رفاهی بیکاران	پرداخت مقرری به مشمولان از سوی سازمان تأمین اجتماعی	2
	ارائه خدمات درمانی و سایر تعهدات قانونی مندرج در قانون تأمین اجتماعی و اصلاحات بعدی آن توسط سازمان تأمین اجتماعی در دوره این دستورالعمل	3
ایجاد نگاه حمایتی و جامع	مشمولین این طرح، همه مشمولان قانون تأمین اجتماعی تابع قانون کار	4
	ارائه ماهانه مشخصات مشمولان این دستورالعمل به سازمان برنامه‌بودجه توسط سازمان تأمین اجتماعی	5
	شناسایی مشمولان و پرداخت به هر فرد، مستلزم رسیدگی در کمیته بیمه بیکاری و اعمال نظارت‌ها و شرایط پیش‌بینی‌شده در قانون کار، قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری بود.	6
طرح‌ریزی چارچوبی برای پرداخت حقوق بیکاران	پرداخت مقرری بیمه بیکاری با پیشنهاد مشترک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و تأیید سازمان برنامه‌بودجه کشور	7
	واریز مبالغ متعلقه به افراد واجد شرایط فهرست اعلامی سازمان برنامه‌بودجه کشور توسط خزانه‌داری کل کشور	8
	در کنار منابع مالی صندوق بیمه بیکاری، تأمین منابع مالی این طرح از محل منابع صندوق توسعه ملی	9
تأمین اعتبارات مالی در حوزه بیکاری	محاسبه حق‌بیمه (بازنشستگی و درمان) افراد مشمول این دستورالعمل طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری بر اساس 27 درصد حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار در سال‌های مربوطه (1398-1399) توسط سازمان برنامه‌بودجه و اعلام به خزانه‌داری کل کشور برای واریز به حساب سازمان تأمین اجتماعی	10
	تعلیق موقت اجرای مقررات قانون بیمه بیکاری مصوب سال 1369 از نظر ضوابط پرداخت، مدت استحقاق و مبلغ مقرری	11
اصلاح قوانین و مقررات بیکاری	مشمولان دریافت مقرری بیکاری ایام شیوع بیماری کرونا باید بدون میل و اراده در دوره زمانی شیوع بیماری کرونا شغل خود را از دست داده باشند.	12
	بیکاران مشمول این طرح باید دارای سابقه پرداخت حق‌بیمه به‌صورت اجباری در دی 1398 بوده باشند و در ماه‌های دریافت موضوع این دستورالعمل فاقد سابقه پرداخت حق‌بیمه نزد سازمان تأمین اجتماعی باشند.	13
	میزان این مقرری معادل «55 درصد» حداقل دستمزد قانون کار بود.	14
رعایت عدالت استحقاقی	افزایش مقرری افراد متأهل یا متکفل تا حداکثر چهار نفر از افراد تحت تکفل به ازای هریک از آنها به میزان 5 درصد حداقل دستمزد	15
	همکاری سازمان تأمین اجتماعی با نهادهای دیگری چون وزارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه‌بودجه کشور، خزانه‌داری کل کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و ...	16
بیکاری مقوله‌ای کلان و فراسازمانی	ابلاغ شیوه‌نامه اجرایی دستورالعمل به واحدهای اجرایی سراسر کشور	17
	سازمان برنامه‌بودجه مکلف شد از محل منابع مربوطه، حق‌بیمه (بازنشستگی و درمان) افراد مشمول این دستورالعمل طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری بر اساس 27 درصد حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار مقرری پرداختی، محاسبه و به خزانه‌داری کل کشور برای واریز به حساب سازمان تأمین اجتماعی اعلام کند.	18

سازمان برنامه‌بودجه و اعلام به خزانه‌داری کل کشور برای واریز به حساب سازمان تأمین اجتماعی» معنایابی می‌شود. اصلاح در قوانین و مقررات بیکاری، دیگر نشانه اصلی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر متن دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا است. این نشانه اصلی، با نشانه‌های فرعی ذیل خود مشتمل بر «تعلیق موقت اجرای مقررات قانون بیمه بیکاری مصوب سال ۱۳۶۹»، «تغییر در منشأ بیکاری برخلاف تصریح قانون بیمه بیکاری در کشور»، «بیکاران مشمول این طرح باید دارای سابقه پرداخت حق‌بیمه به‌صورت اجباری در دی ۱۳۹۸ بوده باشند و ...»، «ثبت‌نام متقاضیان دریافت بیمه بیکاری در سامانه بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه

و همکاری اداره کل امور مالی سازمان تأمین اجتماعی و تعامل لازم با بانک‌های عامل به‌منظور صحت‌سنجی شماره حساب‌های متقاضیان»، مفصل‌بندی این گفتمان را شکل می‌دهند. نشانه اصلی گفتمانی دیگر در متن طرح بیمه ایام کرونا، تأمین اعتبارات مالی در حوزه بیکاری است که با نشانه فرعی‌ای چون «تأمین منابع مالی دستورالعمل از محل منابع صندوق توسعه ملی (معادل ۵۰ هزار میلیارد ریال)» و «محاسبه حق‌بیمه (بازنشستگی و درمان) افراد مشمول این دستورالعمل طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی و قانون بیمه بیکاری بر اساس ۲۷ درصد حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار در سال‌های مربوطه (۱۳۹۸-۱۳۹۹) توسط



شکل ۲: مفصل‌بندی گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر بیکاری در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا

Fig. 2: Elaboration of the welfare policy discourse governing unemployment in the unemployment insurance plan during the Corona period

«سیاست رفاهی در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا» که بر مبنای «دال مرکزی اعمال سیاست حمایتی جامع» تعریف‌شدنی است، ذیل گفتمان حاکم بر این متن، که گفتمان اعتدال دولت روحانی بوده، در قالب نشانه‌هایی اصلی بدین شکل مفصل‌بندی شده است:

جمع‌بندی و پیشنهادها

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب در ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی و روی کار آمدن سیزده دولت، به‌رغم از سر گذاردن وقایع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی متعدد، ایران دارای سیاست‌های و برنامه‌های رفاهی بوده و هست که عمده این سیاست‌ها به‌صورت متمرکز و از بالا به پایین ارائه شده‌اند و تا به امروز، ثقل سیاست‌گذاری‌های رفاهی در کشور، با نهاد «دولت» بوده است و دولت‌ها، بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه در شرایط و موقعیت‌های مختلف، اقدامات گوناگونی از منظر سیاست‌گذاری‌های رفاهی انجام داده‌اند. بر این مبناست که مطالعه و تحلیل سیاست‌گذاری‌های رفاهی در کشور با رویکرد نهادی (تحلیل دولت‌محور و تحلیل مسیر وابسته)، توان تبیینی بیشتری از دیگر رویکردهای مطالعات سیاستی از خود نشان داده است. این یافته پژوهش با یافته‌های پژوهش [Modaresi Alam and Davoudi \(2016\)](#) نزدیک دارد، زیرا در این پژوهش نیز بر این یافته اذعان شده است که معمولاً سیستم‌های بیمه بیکاری را سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی و یا نهادهایی که مدیران آن‌ها نماینده فرد بیمه‌شده، کارفرمایان و دولت هستند، اداره می‌کنند.

در این میان دولت‌ها، هر یک گفتمانی منحصربه‌فرد دارند، لذا اصول فکری ایدئولوژیکی و نیز آموزه‌های هر گفتمان، بر سیاست‌گذاری و به‌تبع آن عملکرد دولت‌ها اثرگذار بوده است؛ بر این مبنای، هر چند اعمال سیاست‌های رفاهی برای بهبود وضعیت بیکاران

اجتماعی» و «میزان مقرری ایام بیکاری معادل ۵۵ درصد حداقل دستمزد قانون کار»، مفصل‌بندی نشانه اصلی مذکور حول مفهوم سیاست رفاهی در دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا را سامان داده است.

ایجاد نگاه حمایتی و جامع، دیگر نشانه اصلی تحلیل گفتمان سیاست رفاهی حاکم بر متن دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا است که با نشانه فرعی «مشمولان طرح، همه مشمولان قانون تأمین اجتماعی که تابع قانون کار» معنایابی شده است. به‌طورکلی، در طراحی سیاستی حمایتی و بیمه‌ای برای کمک به بیکاران در ایام کرونا می‌بایست به سنخ‌شناسی و گونه‌شناسی انواع بیکاران توجه می‌شد تا طیف بیشتری از بیکاران جامعه در ایام کرونا را تحت پوشش قرار می‌داد، اما در عمل، به‌مانند دیگر قوانین و دستورالعمل‌های تأمین اجتماعی در حوزه بیکاری، صرفاً مشمولین قانون کار و قانون تأمین اجتماعی مورد توجه قرار گرفتند و همچنان طیف عمده‌ای از بیکاران که مشتمل بر غیرمشمول قانون کار و تأمین اجتماعی، غیرمشمولان صندوق بیمه بیکاری و عدم بیمه‌پردازی بابت بیمه بیکاری، آزادکاران (افرادی که دارای مشاغل غیررسمی، موقت، فصلی و ... که درآمد ثابت ندارند) و کارفرمایان بیکار که بیکاری آنان ناشی از شرایط قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی به‌منظور کنترل و پیشگیری از شیوع بیماری بوده است، نادیده گرفته شده‌اند. در کنار ایجاد نگاه حمایتی و جامع تلاش شده که عدالت استحقاقی مراعات شود، از این‌رو رعایت عدالت استحقاقی، دیگر نشانه اصلی گفتمان سیاست رفاهی در متن دستورالعمل بیمه بیکاری کرونا است که نباید از آن غافل شد. این نشانه اصلی بر مبنای نشانه فرعی «افزایش مقرری افراد متأهل یا متکفل تا حداکثر چهار نفر از افراد تحت تکفل به‌ازای هر یک از آن‌ها به میزان ۵ درصد حداقل دستمزد» معنایابی شده است.

نتایج حاصل از تحلیل گفتمان متن بیمه بیکاری ایام کرونا، در آخر ما را به این رهیافت کلی رهنمون می‌شود که دال شناور

و حمایت‌های مربوطه و به تبع آن تحقق عدالت اجتماعی همواره مورد توجه ویژه دولت‌ها و اصلی‌ترین مطالبه مردم بوده است، اما همان‌گونه که از نتایج تحلیل گفتمان به دست آمد، جایگاه سیاست رفاهی در حوزه بیمه بیکاری در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب در ایران _ بالاخص دو دولت سازندگی و اعتدال _ به لحاظ تحلیل گفتمانی (مضامین، روابط و فاعلان اجتماعی) یکسان نبوده است و در ترسیم فضای گفتمانی هر دولت، با توجه به دال مرکزی آن، سازوکارهای سیاست رفاهی در حوزه رفع بیکاری و اشتغال‌آفرینی متفاوت بوده و در ضمن مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر قانون کار و طرح بیمه بیکاری ایام کرونا _ که متون قانونی مصوب دولت‌های سازندگی و اعتدال اند _ تاحدودی متمایز بوده است. بدین ترتیب که دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه رفع بیکاری» در قانون کار، بر مبنای دال مرکزی «سیاست اجتماعی اشتغال کامل» قابل تعریف است و ذیل گفتمان حاکم بر این متن، که گفتمان سازندگی دولت هاشمی رفسنجانی بوده است، در قالب نشانه‌هایی اصلی یا مدلول‌هایی چون «حمایت از بیکاران»، «آموزش نیروی انسانی» و «بازبینی در نظام ارزش‌ها و قوانین و مقررات موجود»، مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه‌های یادشده، نظام معنایی گفتمان سیاست رفاهی در حوزه بیکاری در قانون کار را شکل داده که مبین رویکرد این متن قانونی به مقوله «بیکاری» و «حمایت از بیکاران» در کشور است. در طرح بیمه بیکاری ایام کرونا دال شناور «سیاست رفاهی در حوزه بیکاری» که بر مبنای «دال مرکزی اعمال سیاست حمایتی جامع» قابل تعریف است، ذیل گفتمان حاکم بر این متن که گفتمان اعتدال دولت روحانی بوده است، در قالب نشانه‌هایی اصلی یا مدلول‌هایی چون «بهبود وضعیت رفاهی بیکاران»، «نگرش به بیکاری به عنوان مقوله‌ای کلان و فراسازمانی»، «طرح‌ریزی چهارچوبی برای پرداخت مقرری بیکاران»، «تأمین اعتبارات مالی در حوزه بیکاری»، «اصلاح در قوانین و مقررات بیکاری» و «رعایت عدالت استحقاقی»، مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه‌های اصلی یادشده، نظام معنایی گفتمان مذکور را شکل داده است که بیان‌کننده و متمایز‌کننده رویکرد این متن قانونی به مقوله «بیکاری» و حمایت‌های مربوطه در کشور بوده است، چراکه شرایط پیش‌آمده در اثر بحران کووید-۱۹ ماهیت ناپایدار زیست برای جمعیت کثیری از اقشار اجتماعی را نمایان کرد و نشان داد که گروه‌های آسیب‌پذیر در جوامع عملاً بسیار گسترده‌تر از دسته‌بندی‌های معمول در برنامه‌های رفاهی هستند و این امر، لزوم «مساعادت اجتماعی»، «اقدامات بیمه‌ای» و ... در قالب سیاست‌های رفاهی را بیش‌ازپیش به تصویر کشید که بر این مبنای شاهد تدوین و اعمال طرح بیمه بیکاری ایام کرونا بودیم. این یافته پژوهش نیز با یافته‌های پژوهش [Ebbinghaus et al. \(2022\)](#) و [Ministry of cooperatives, Labor and social welfare \(2020\)](#)

نزدیکی بسیاری نشان می‌دهند و مبین نقش مهم دولت‌ها، به‌ویژه در سیاست‌گذاری عمومی در شرایط بحران‌های اجتماعی است. اما آنچه فصل مشترک رویکردهای گفتمانی در خصوص بیکاری

در آخر، توصیه‌های سیاستی مد نظر این نوشتار به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- انجام کارهای کارشناسی برای اصلاح و بازنگری قوانین بیمه بیکاری و تطبیق با شرایط اقتصادی-اجتماعی کشور، زیرا بیمه بیکاری توسعه کمتری نسبت به سایر بیمه‌ها از جمله حوادث یا بیمه بیماری داشته است.
- اعمال مستمری برای شاغلان فاقد بیمه بیکاری (مثل خویشفرمایان) و شناسایی موانع محروم شدن برخی از واجدان شرایط از مزایای بیمه بیکاری و رفع این موانع. پیشنهاد اعمال این سیاست، در اصل در راستای اجرای منویات مقام معظم رهبری در دیدار سوم آبان سال ۱۳۹۹ با اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی بر «لزوم تحت پوشش قرار گرفتن افرادی که از شیوع بیماری کرونا بیکار شده و فاقد پوشش بیمه بیکاری هستند»، ارائه شده است.
- کاهش بیکاری از طریق اعمال سازوکارهایی چون «توسعه کارآفرینی».
- توسعه کسب‌وکارهای کوچک روستایی با هدف گسترش صنایع خرد و اشتغال‌زایی به روش خویش‌کارفرما و یا کارگاه‌های هرچند کوچک، ولی متنوع در نقاط مشترک کشور.

کی‌رایت نویسنده(ها) ©2023: این مقاله تحت مجوز بین‌المللی **Creative Commons Attribution 4.0** اجازه استفاده، اشتراک‌گذاری، اقتباس، توزیع و تکثیر را در هر رسانه یا قالبی مشروط بر درج نحوه دقیق دسترسی به مجوز CC منوط به ذکر تغییرات احتمالی بر روی مقاله می‌داند. از این رو به استناد مجوز یادشده، درج هرگونه تغییرات در تصاویر، منابع و ارجاعات یا سایر مطالب از اشخاص ثالث در این مقاله باید در این مجوز گنجانده شود، مگر اینکه در راستای اعتبار مقاله به شکل‌های دیگری مشخص شده باشد. در صورت عدم درج مطالب یادشده و یا استفاده فراتر از مجوز گفته‌شده، نویسنده ملزم به دریافت مجوز حق نسخه‌برداری از شخص ثالث است.

به‌منظور مشاهده مجوز بین‌المللی **Creative Commons Attribution 4.0** به نشانی زیر مراجعه شود:
<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

یادداشت ناشر

ناشر نشریه پژوهشنامه بیمه با توجه به مرزهای حقوقی در نقشه‌های منتشرشده بی‌طرف باقی می‌ماند.

منابع

- Akhavan Kazemi, B., (2002). Justice in the political system. Tehran: Cultural institute of knowledge and contemporary thought publications. [In Persian]
- Andersen, T.M.; Kristoffersen, M.S.; Svarer, M., (2018). Benefit reentitlement conditions in unemployment insurance schemes. *Labour Econ.*, 52(1): 27-39 (12 Pages).
- Baldock, J.; Manning, N.; Vickerstaff, S., (2007). Social policy, social welfare, and the welfare state. England: Oxford University Press, 4th edition.
- Bashir, H.; Hatami, H.R., (2013). Editorial analysis of three Iranian newspapers (Keyhan, Ettela'at, and Jomhori-Eslami) a bout the 10th presidential election in Iran (13 Jun-22 July, 2009). *Political Strategic Stud.*, 2(6): 61-88 (27 Pages). [In Persian]
- Bashiriyeh, H., (2004). Reason in politics: Thirty-Five discourses on philosophy, sociology, and political development. Tehran: Negahe moaser publications. [In Persian]
- Berkowitz, S.A.; Basu, S., (2021). Unemployment insurance, health-related social needs, health care access, and mental health during the COVID-19 pandemic. *JAMA Intern. Med.*, 181(5): 699-702 (3 Pages).
- Cresswell, J., (2015). Qualitative research and research design: Choosing among five approaches (narrative research, phenomenology, foundational data theory, ethnography, case study). Translated by Danaeifard, H.; Kazemi, H., Tehran: Ashraghi Saffar publications. [In Persian]
- Davoudi, A.; Houshmand, M.; Malek O Sadati, S.S., (2019). Analysis of the survival function of people covered by unemployment insurance in Iran (1392-1397). *Appl. Econ. Stud. Iran*, 8(31): 123-157 (34 Pages). [In Persian]

با اتخاذ چنین سیاست‌هایی اشتغال‌زایی و به‌تبع آن کاهش بیکاری دور از دسترس نخواهد بود.

مشارکت نویسندگان

مهدی شکوری: روش پژوهش و متدولوژی، مروری بر ادبیات پژوهش، جمع‌آوری مطالعات مرتبط و تدوین مدل. طهمورث شیری: روش پژوهش و متدولوژی، کنترل چهارچوب تدوین و استانداردهای پژوهشی. رضاعلی محسنی: روش پژوهش و متدولوژی، پایایی و روایی پرسش‌نامه و نتیجه‌گیری.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از مسئول واحد پژوهش دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و سایر کارکنان آن مجموعه قدردانی می‌کنند.

تعارض منافع

در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه‌براین، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوءرفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

- Dehghani Firouzabadi, S.J.; Ataie, M., (2013). The nuclear discourse of the 11th government. *Strategic Stud.*, 17(63): 87-120 (33 Pages). [In Persian]
- Ebbinghaus, B.; Lehner, L.; Naumann, E., (2022). Welfare state support during the COVID-19 pandemic: Change and continuity in public attitudes towards social policies in Germany. *Eur Policy Anal.*, 8(3): 297-311 (14 Pages).
- Ebrahimi, A.H., (2011). Looking at Iran; Recognition of unemployment insurance. *Sci. J. Strategy*, 9(2): 155-160 (5 Pages). [In Persian]
- Feyzpour, M.A.; Zare, M.H.; Zare Zardini, A., (2022). The effect of unemployment insurance on the period of unemployment in Yazd city. *J. Econ. Policy*, 2(27): 85-112 (27 Pages). [In Persian]
- Fitzpatrick, T., (2004). Welfare theory: What is social policy?. Translated by Homayounpour, H. Tehran: Gaame no publications. [In Persian]
- Ghafari, G.; Azizimehr, K., (2012). Institutional approach and analysis of welfare policies in contemporary Iran. *Sociolo. Rev.*, 19(1): 23-56 (33 Pages). [In Persian]
- Hasenfeld, Y.; Rafferty, J.A.; Zald, M.N., (1987). The welfare state, citizenship, and bureaucratic encounters. *Annu. Rev. Sociol.*, 13(1): 387-415 (28 Pages).
- Imani Jajrami, H., (2020). Social consequences of the outbreak of the corona virus in Iran. *J. Social Impact Assess.*, 1(2): 87-103 (16 Pages). [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly Research Center, (2019). On tackling the coronavirus outbreak, examining economic impacts and suggestions for managing its consequences. Tehran: Majles research center. Office of economic

- studies. [In Persian]
- Jafari Tabrizi, M.T., (2006). Universal human rights: Research and implementation in two systems; Islam and the West. Tehran: Institute for editing and publishing the works of Allameh Mohammad Taghi Jafari. [In Persian]
- Jørgensen, M.W.; Phillips, L.J., (2002). Discourse analysis as theory and method. Sage Press.
- Kaviani, M.; Mirzaee, Z., (2014). A comparative study of the unemployment period protections in Iran and Germany law. Iran. J. Insur. Res., 3(3): 223-246 (23 Pages). [In Persian]
- Motamed Nejjad, K.; Mehizadeh Taleshi, S.M., (2007). Iran, as represented by the western press: A critical discourse analysis of "The New York Times", "The Guardian", "Le Monde" and "Die Welt. Social Sci., 13(36): 1-35 (34 Pages). [In Persian]
- Menati, H., (2019). Investigating the effects of the Corona virus, Covid-19 on the global economy. J. Social Impact Assess., 1(2): 163-181 (22 Pages). [In Persian]
- Ministry of cooperatives, Labor and social welfare, (2020). Introduction come on the effects of the coronavirus outbreak on the economy of Iran. Tehran. [In Persian]
- Modaresi Alam, Z.; Davoudi, A., (2016). Comparative study of unemployment insurance system in Iran and selected countries. Econ. Mag. 16 (9,10): 127-148 (21 Pages). [In Persian]
- Mojtabavi Naieni, M., (1993). Dictionary of labor and social welfare terms with the English and French equivalents. Tehran: Labor and social security institute. [In Persian]
- Mortejji, H., (2016). Political parties in today's Iran. Tehran: Naghsh-O- Negar Publications. [In Persian]
- O'Connor, M.K.; Netting, F.E., (2010). Analyzing social policy: Multiple perspectives for critically understanding and evaluating policy. John Wiley and Sons.
- Ojaqlou, S.; Ayazi, R., (2015). The capacities and concerns of social support «unemployment insurance» in Iran a look at the implementation of conventions 102 and 168 of international labor organization. Social Econ. Sci. Cultural Work Soc., 189 (5): 24-32 (9 Pages). [In Persian]
- Peters, G., (2007). Institutionalism in politics. Translated by Momeni, F.; Momeni, F. Tehran: Academic Jahad publications. [In Persian]
- Sadeghi Fasai, S.; Roozkhosh, M., (2013). Analytical and methodological points about discourse analysis (with a look at Iranian researches). Iran. J. Social Stud., 7(4): 4-29 (25 Pages). [In Persian]
- Safari Shali, R., (2013). Examining the discourses of social justice in the governments after the Islamic Revolution of Iran) Doctoral Thesis). Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Safari Shali, R.; Ebrahimi, M., (2021). Welfare policies commensurate with social risks (covid 19 case study). J. Social Probl. Iran, 12(1): 85-115 (30 pages). [In Persian]
- Sharif Sharifzadeh, M.; Abdollahzadeh, G.; Rahbari, M., (2019). Diagnosing unemployment insurance in Golestan province. Entrepreneurship strategies Agric., 6(11): 45-57(12 Pages). [In Persian]
- Statistical center of Iran, (2022). Social justice indicators. Tehran: National planning and budget organization. [In Persian]
- Tajmazenani, A.A.; Sherinabadi, A., (2016). The challenges of unemployment insurance Welfare program in Iran. Social. Dev. Welfare. Plann., 6(25): 93-124 (32 Pages). [In Persian]

AUTHOR(S) BIOSKETCHES	معرفی نویسندگان
<p style="text-align: center;">مهدی شکوری، دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ Email: Mehdi1411383@gmail.com ▪ ORCID: 0000-0002-9178-3180 ▪ Homepage: https://srb.iau.ir/human/fa/ <p style="text-align: center;">طهمورت شیر، دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ Email: t_shiri@iauctb.ac.ir ▪ ORCID: 0000-0003-0810-8043 ▪ Homepage: https://ctb.iau.ir/social-sciences/fa/ <p style="text-align: center;">رضاعلی محسنی، دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ Email: reza.mohseni@iauctb.ac.ir ▪ ORCID: 0000-0002-9741-7085 ▪ Homepage: https://ctb.iau.ir/fcsms/fa/page/ 	

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Shakouri, M.; Shiri, T.; Mohseni, R.A., (2023). Unemployment insurance as a welfare policy (Focusig upon the labor law and the unemployment insurance scheme over Covid-19 period). Iran. J. Insur. Res., 12(4): 317-330.

DOI: [10.22056/ijir.2023.04.05](https://doi.org/10.22056/ijir.2023.04.05)

URL: https://ijir.irc.ac.ir/article_160302.html?lang=en

